

اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت دانش در دانشگاه‌های منتخب

اسمعیل ابونوری^۱، عیسی نیازی^۲، محسن طاهری دمنه^۳

^۱ استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

^۲ دانشجوی دکتری آینده پژوهی، دانشگاه تهران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اولویت‌بندی مؤلفه‌های "مدیریت دانش" در دانشگاه‌های تهران، اصفهان، تربیت مدرس، الزهراء، مازندران، گیلان، یزد، اراک و رازی است. برای انجام این پژوهش توصیفی، مقطعی و کاربردی از پرسشنامه ای استفاده شد که پس از سنجش روایی و پایایی بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده سهمیه‌ای، بین ۳۵۵ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های منتخب فوق‌الذکر توزیع گردید. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 صورت گرفته است. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که مؤلفه‌های مدیریت دانش در دانشگاه‌های مورد مطالعه اهمیت یکسان ندارند. و فرضیات تحقیق نیز بر اساس یافته‌ها رد گردید.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی مدیریت دانش، دانشگاه‌های ایران، اولویت در مدیریت، سنجش و ارزیابی.

مقدمه

جامعه فراصنعتی امروز، جامعه‌ای اطلاعاتی است که در آن به تدریج فن آوری‌های نیروافزا جای خود را به فن آوری‌های دانش‌افزا می‌دهند. در حوزه تجارت شناخت رو به رشدی در رابطه با اهمیت دانش به عنوان یک منبع حیاتی برای سازمان‌ها وجود دارد (Benjamin et al, 2003). دانش، خود، بخش اعظم سرمایه سازمان‌ها و قدرتمندترین موتور تولید سازمان‌ها شده است؛ پس، سازمان‌ها باید بر مدیریت آن تأکید کنند (Boisot, 2003).

با بررسی و تحلیل دانش و اهمیت ویژگی‌های آن در حیطه عملکرد سازمان‌ها، می‌توان دریافت که برخورداری از دانش و اطلاعات به‌روز برای ادامه حیات سازمان‌ها به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل شده است. مدیران نیز در این موقعیت آشفته یعنی مدیران جدید، نیازمند دانش جدید (دانش سیستم مدیریت دانش) هستند اگر سازمانی نتواند شکل صحیحی از سیستم مدیریت دانش را در جایگاه مناسب خود به کار برد، در عرصه‌های رقابتی جهانی، با مشکل مواجه خواهد شد.

از سوی دیگر، دغدغه مدیران، ارزیابی مستمر این سیستم مدیریت دانش است. در همین حال محققان با استفاده از روش‌های مختلف، برای اندازه‌گیری مدیریت دانش تلاش می‌کنند (Vestal, 2002). در نتیجه، دانش بسرعت، به سرمایه‌ای حیاتی برای ارتقای عملکرد آینده سازمان‌ها تبدیل و ایجاد شاخص‌ها و اندازه‌گیری دانش سازمان توسط مدیریت عالی به منظور تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌های مدیریت دانش، امری کاملاً حیاتی شده است (فایرستون و همکاران، ۱۳۸۷). مدیران نیز با مشکلات تصمیم‌گیری درباره میزان و چگونگی اعمال مدیریت دانش جهت دستیابی به عملکرد مناسب و نیز با مسائل مضاعف شدن نقش‌های مدیریت دانش در سازمان‌ها مواجه هستند (زیرا مدیران، ایجادکننده زیرساخت‌های مدیریت دانش در سازمان‌ها هستند). مطالعات متعددی مفهوم عملکرد مدیریت دانش را برای تشریح بهبود عملکرد میان قابلیت موجود سازمان و قابلیت بهبود به‌وسیله مدیریت دانش پیشنهاد کردند، که در مباحث بعد (مرور ادبیات تحقیق)، به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

بیان مسأله تحقیق

دانشگاه‌ها عمده‌ترین مراکز تولید و اشاعه دانش هستند. از دیرباز، ایجاد نوآوری‌ها و در نتیجه خلق دانش جدید از مهمترین کارکردهای مؤسّسات آموزش عالی به شمار می‌آمده و در این راستا، بیشترین اهتمام جامعه دانشگاهی در جهت ارتقای دانش و تقویت سرمایه‌های فکری با بهره‌مندی از منابع موجود بوده است. این منابع نه تنها منابع اطلاعاتی، بلکه نیروهای فکری و منابع انسانی را نیز دربر می‌گیرد که لازم است با کاربرد شیوه‌های صحیح مدیریت، شناسایی شوند و به‌گونه‌ای سازمان یافته، مورد بهره‌برداری قرار گیرند (حمیدی‌زاده، ۱۳۸۳).

بخوبی معلوم و آشکار است که مؤسّسات دانشگاهی در مقام مراکز تولید و اشاعه دانش، بیش از هر سازمان دیگری نیازمند اجرای دقیق مدیریت دانش هستند. متأسفانه با آنکه دانشگاه‌ها خود مخازن دانش هستند، در کشور ما تاکنون توجه کافی به سرمایه‌های فکری و دانش تولید شده به وسیله جامعه دانشگاهی مبذول نگردیده و از جمله، تا امروز، هیچ‌گونه کنترلی بر دانش غیرمکتوب - دانش مفهومی - صورت نگرفته و دانش مدون در داخل نیز بندرت به‌صورت سیستمی و یکپارچه جمع‌آوری و در چارچوبی نظام‌مند، مدیریت شده است. این ضعف مدیریتی سبب شده است که بسیاری از سرمایه‌های ارزشمند موجود برای همیشه، ناشناخته و دور از دسترس باشند و بسیاری از خلأهای موجود همچنان برجای خود باقی بمانند. از سوی دیگر، عدم توجه به دانش تولید شده در داخل و فقدان یک رویکرد تجاری، دانشگاه‌ها را به لحاظ مادی نیز متضرر نموده و سبب شده است که بسیاری از این دانش‌ها، آثار و تحقیقات علمی استادان توسط ناشران خصوصی منتشر و در قالب منابع اطلاعاتی، دوباره، به خود دانشگاه‌ها فروخته شود (همان منبع).

تردیدی نیست که گسترش فن‌آوری‌های پیشرفته اطلاعات و ارتباطات و از جمله اینترنت و اینترنت در سال‌های اخیر، کمک فراوانی به این مهم نموده و مدیریت اثربخش کلّیه منابع را در تمام بخش‌ها امکان‌پذیر ساخته است. ایجاد تسهیلاتی مانند پست الکترونیک، وبلاگ، گروه‌های مباحثه و ... به‌عنوان فن‌آوری اطلاعات به انتقال مؤثر اطلاعات و نشر سریع دانش کمک شایانی نموده است. وجود این نوآوری‌ها می-

تواند نویدبخش اشتراک بیشتر دانش و بهره‌گیری سزاوارتر از منابع در آینده به منظور افزایش اثربخشی، شایستگی و نوآوری در دانشگاه‌ها باشد. این مقاله با توجه به مطالب یاد شده، به اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت دانش در دانشگاه‌های تهران، اصفهان، تربیت مدرس، الزهراء، مازندران، گیلان، یزد، اراک و رازی از دیدگاه اعضای هیأت علمی آن دانشگاه‌ها می‌پردازد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

از جمله مباحثی که در جامعه دانش‌محور مطرح می‌شود، این است که سازمان‌هایی که خواهان موفقیت در جامعه اطلاعات جهانی هستند، می‌توانند ارزش سرمایه دانش خودشان را شناسایی و در ایجاد و توسعه آن تلاش کنند (بویست، ۲۰۰۳). در این راستا، انواع مؤسسات به منظور بقا و توسعه خویش و انطباق با تغییرات محیط رقابتی پیرامون، نیازمند اجرای اثربخش مدیریت دانش هستند و اگر سازمانی نتواند دانش مورد نیاز خود را در جایگاه مناسب آن تشخیص دهد در عرصه‌های رقابتی با مشکل مواجه خواهد شد. با این دیدگاه مدیریت دانش ابزاری است که امکان بهره‌گیری مؤثرتر از دانش را در راستای اهداف و برنامه‌های سازمان‌ها فراهم آورده و رقابت‌پذیری یک سازمان را نیز ممکن خواهد ساخت.

امروزه حضور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در بازار دانش (و استفاده از مدیریت دانش در جهت تحقق اهداف سازمانی) به عنوان یک امر ضروری شناخته شده است (Vestal, 2002). توسعه آموزش‌ها در یک ساختار مناسب هر چند می‌تواند مفید باشد، اما اگر دانش کسب شده مدیریت نشود و توسعه دانش در راستای نیازهای جامعه نباشد، این سرمایه عظیم نمی‌تواند مشکلات زیادی را حل کند. بدین منظور، باید این تفکر بین محققان و دانشگاهیان القا شود که آنچه باعث ماندگاری و پیشرفت علمی می‌شود، تسهیم و به اشتراک گذاشتن دانش تولید شده با دیگران است و عدم انتشار آن زیان بخش خواهد بود.

بر این اساس، برای دستیابی به پیشرفت‌های سریع علمی کشورمان و برای دست‌یابی به قدرت برتر منطقه (بویژه از لحاظ علمی) طبق چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، هم‌افزایی در تحقیقات و فعالیت‌های دانشگاهی و کم کردن

شکاف علمی با کشورهای پیشرفته تنها در نتیجه توجّه به مدیریت دانش میسر خواهد بود. در صورت ایجاد چنین رویکردی، می‌توان از کلیّه منابع به طور مستمر و بهینه در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر استفاده و از دوباره‌کاری‌ها و پرداختن به فعالیت‌های موازی جلوگیری کرد. همچنین، از این رهگذر، دانش ذهنی ایجاد شده در نزد پژوهشگران به دانش عینی تبدیل می‌گردد و ضمن جلوگیری از به هدر رفتن تجربیات و اطلاعات، نشر آنها امکان‌پذیر می‌شود و شرایط لازم برای ماندگاری و موفقیت دانشگاه‌ها در عرصه رقابتی نیز فراهم خواهد بود. باید به این باور دست یافت که تمام دانشگاه‌های رقیب، از پیش به چنین اقدامی (مدیریت دانش) متوسل شده‌اند و این امر یک نیاز مبرم برای تمام مدیران نظام آموزش عالی کشور محسوب می‌شود. بنابراین، بررسی وضعیت موجود دانشگاه‌ها از لحاظ میزان برخورداری از مدیریت دانش یک فعالیت مقدماتی و مهم محسوب می‌شود.

تحقیق حاضر در راستای این امر صورت گرفته تا مسئولان و دست‌اندرکاران مؤسّسات آموزش عالی مورد مطالعه را نسبت به اهمیّت مدیریت دانش در فرایندهای دانشگاهی و نقش مؤثر آن در تولید دانش، آگاه سازد و با ارائه راهکارهایی، به آنان در اجرای بهتر مدیریت دانش یاری برساند.

پیشینه موضوع

هولسابل و جاشی (Hosapple and Joshi, 2002) برخی از عوامل تاثير گذار بر موفقیت مدیریت دانش را که مورد توافق بیشتر پژوهشگران این حوزه است، نظیر فرهنگ، مدیریت فن آوری، سازگاری سازمانی، انگیزه، کارمندان و عوامل بیرونی بیان کردند. چوی و لی (Choi and Lee, 2002) تحقیق کردند که احتمالاً، استراتژی نیروی انسانی در اجتماعی‌سازی و استراتژی سیستمی در مشارکت، اثربخش است و نتایج شیوه‌های پویا دارای عملکرد بالاتری نسبت به روش‌های غیر پویاست و همواره، میان روش‌های سیستم‌گرا و انسان‌گرا، تفاوت وجود دارد. کالینگ (Koling, 2001) مفهوم مدیریت دانش این چنین تقسیم‌بندی کرد: توسعه، به-کارگیری و سرمایه‌گذاری. بر اساس مطالعات او، دانش همواره باعث بهبود عملکرد نمی‌شود. بیم، کیم و کواک (Yim, Kim and Quack, 2003). روشی را برای تصمیم-

سازی مبتنی بر دانش (KBDM) که در درک و تشخیص معیارها و گزینه‌های تصمیم‌گیری، بیشترین تأثیر را روی عملکرد دارد، توسعه دادند. کاریلو و گی مون سه منبع دانش زیر را که محرک عملکرد در سطح واحد تولیدی هستند معرفی کردند: سیستم های فنی، دانش نیروی کار و سیستم‌های مدیریتی. آنها دریافتند که تفاوت خصوصیات سیستم‌های مدیریتی اثر ژرفی بر رفتار مدیریتی و عملکرد سازمان دارد. مک کوین و همکارانش (Mc Queen et al, 1998)، زمینه های فعالیت در مدیریت دانش را مشخص کردند. نتایج نشان داد که فعالیت‌های مدیریت دانش مستقیماً بر عملکردهای سازمانی اثرگذار است و عملکردهای سازمانی مستقیماً در عملکرد مالی سازمان تا ثیر دارند. این نتایج، هم برای کارکنان سازمان‌ها و هم برای محققین دانشگاهی، جالب بود.

لیو و کیک (Liou, Keick, 1993) شاخص‌های استاندارد جدیدی به نام "شاخص عملکرد مدیریت دانش" معرفی کردند که برای ارزیابی کردن عملکرد مدیریت دانش یک سازمان، مناسب بود. آنها پنج مؤلفه خلق دانش، جمع‌آوری دانش، اشتراک-گذاری، به کارگیری و درونی‌سازی دانش را معرفی کردند که می‌توانند در فرآیند چرخه جریان دانش تعیین‌کننده باشند و نشان دادند هنگامی که اثربخشی فرآیند چرخه دانش افزایش یابد، شاخص‌های عملکرد مدیریت دانش افزایش می‌یابد و توانمندسازی سازمان‌ها، متمرکز بر دانش صورت می‌گیرد. لین و تسنگ (Tsang and Leen, 2002) پنج شکاف مدیریت در اجرای فعالیت‌های مدیریت دانش را دسته‌بندی و ارتباطات میان فعالیت‌های مدیریت دانش و عملکرد سازمانی را تشریح کردند. نتایج، نشان داد که عملکرد سازمان، تا ثیر معناداری از این پنج شکاف مدیریت می‌گیرد.

سازمان‌هایی که تلاش می‌کنند تا با اثربخشی بیشتری، دانش را مدیریت کنند، مهم-ترین انگیزه‌شان بهبود عملکرد سازمانی است؛ اما تعداد کمی مقالات وجود دارد که رابطه میان مدیریت دانش و عملکرد سازمانی را بررسی کرده باشند [۱۰ و ۱۱]. بیشتر تحقیقات مدیریت دانش بر فرآیند شناسایی، ذخیره‌سازی و انتشار دانش به روشی سازمان یافته تمرکز داشته است و کارهای تجربی کمی در این زمینه صورت گرفته است [۱۰]. گرمین، دراک و کریستین سن (Geremin, Druck and Sen, 1998) اظهار داشتند کنترل عملکرد می‌تواند به دو صورت باشد: اول، رسمی‌سازی بحث‌های

مربوط به عملکرد، مثل هزینه‌ها، کیفیت کالا، سطح سود و دوم، مقایسه کردن هزینه، کیفیت، رضایت مشتری و عملیاتی کردن آن با الگو برداری کردن از صنعت یا رهبری کردن آن در صنعت.

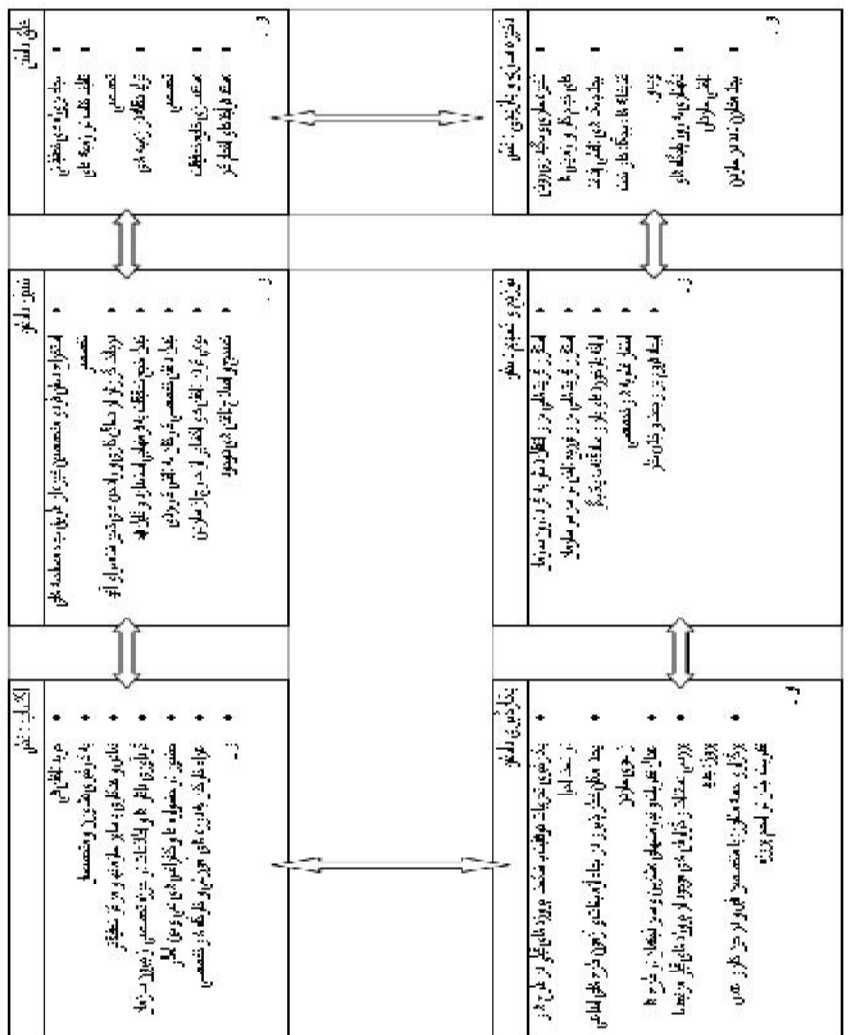
تی سه استدلال کرد که عملکرد ممتاز سازمان به قابلیت نوآوری آن سازمان در حفظ سرمایه‌های مبتنی بر دانش و استفاده از این سرمایه‌ها بستگی دارد (Choi and Leen, 2002). فایستر ادعا کرد که تمایل قوی فرهنگ مدیریت اجرایی به معیارهای عملکرد مالی کوتاه‌مدت است و نادیده گرفتن بحث‌های نیروی انسانی بشدت توسط سیستم‌های پاداش تقویت می‌شود؛ بنابراین، اندازه‌گیری عملکرد نباید فقط بر اساس اطلاعات مالی مثل بهای موجودی یا ROE صورت گیرد، زیرا این نوع قضاوت، مناسبی با درک محیط پویا و رقابتی ندارد. پیداست که معیارهای غیر مالی نظیر سطح اعتماد درک شده توسط کارکنان برای سازمان‌ها، اهمیت یافته است (Koling, 2001) با وجود برخی شکست‌ها، شواهدی دال بر تاثیر مثبت مدیریت دانش بر عملکرد سازمانی وجود دارد. بنابراین، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که ابتکار عمل مدیریت دانش موفق، کسب و کار را به عملکردی با ثبات‌تر دگرگون می‌کند. می‌توان گفت سرمایه‌گذاری زمانی با ارزش است که مدیران بتوانند KMS را به گونه‌ای اثربخش، به منظور ارتقای عملکرد سیستم مدیریت دانش، اجرا کنند.

روش شناسی تحقیق

مدل مفهومی

هر مدل مفهومی به عنوان مبنایی جهت انجام مطالعات و تحقیقات است به گونه‌ای که متغیرهای مورد نظر تحقیق و روابط میان آنها را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که به صورتی ایده‌آل، مدل مفهومی یا همان نقشه ذهنی و ابزار تحلیل، یک استراتژی جهت شروع و انجام تحقیق است؛ به گونه‌ای که انتظار می‌رود در حین اجرای تحقیق، متغیرها، روابط و تعاملات بین آنها مورد بررسی و آزمون قرار گیرد و برحسب ضرورت، تعدیلاتی در آنها انجام و عواملی نیز از آنها کم یا بر آنها افزوده شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۴).

به منظور برنامه‌ریزی جهت اجرای تحقیق حاضر، از الگوی زیر استفاده می‌شود که ارتباط بین زیرسیستم‌های مدیریت دانش را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق^۱

۱. مدل "محقق ساخته" که با الهام از مدل سیستمی مدیریت دانش مارکوارت طراحی گردیده است.

فرآیند مدیریت دانش:

فرآیند چرخه دانش همان‌گونه که در شکل فوق نشان داده شده، از شش بخش اصلی تشکیل شده‌است. در مرحله اول، می‌باید دانش موجود در سطح سازمان و منابع آن (اعم از دانش صریح و ضمنی نزد افراد، بانک‌های اطلاعاتی، مستندات و...) مورد شناسایی واقع شود و پس از اخذ و کسب، به صورت مناسبی ذخیره‌سازی گردد. آنگاه برای اینکه دانش، با ارزش شود و به هم‌افزایی و زایش مجدد دانش منجر گردد، باید دانش موجود نزد افراد به اشتراک گذاشته شود و تسهیم گردد. پس از طی این مراحل، اکنون باید از دانش کسب شده در جهت اهداف عالی سازمان استفاده کرد؛ زیرا در غیر این صورت، تمام تلاش‌های انجام گرفته، بیهوده خواهد ماند. خلق دانش شامل ورود اطلاعات جدید به سیستم و حاصل به اشتراک گذاری و تسهیم دانش نزد افراد است. خلق دانش خود شامل اکتساب، کشف و توسعه دانش می‌شود.

سازمان‌ها هنگامی به‌طور اثربخش و کارآمد، دانش را فرا می‌گیرند که این فرآیندهای شش‌گانه، مستمر و تعاملی باشند. فرآیندهای فوق، متوالی یا مستقل نیستند؛ اطلاعات باید از طریق کانال‌های مختلف و اغلب با چارچوب‌های زمانی متفاوت توزیع شود. مدیریت دانش باید به‌طور مستمر برای فیلترهای ادراکی و نیز در خصوص هر دو فعالیت‌های فوق، به گونه ای فعال و واکنشی به کار گرفته شود. سازمان‌های یادگیرنده موفق به طور نظام‌مند و فن‌آورانه، دانش را از طریق تکتک و یا همه این فرآیندهای شش‌گانه، هدایت و راهنمایی می‌کنند.

هدف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش در دانشگاه‌های تهران، اصفهان، تربیت مدرس، الزهراء، مازندران، گیلان، یزد، اراک و رازی می‌باشد.

سؤال تحقیق

آیا مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش در دانشگاه‌های تهران، اصفهان، تربیت مدرس، الزهراء، مازندران، گیلان، یزد، اراک و رازی از دیدگاه هیأت علمی آنها دارای اهمیت یکسان هستند؟

حجم نمونه

بنابر فرمول زیر، حجم نمونه برابر $n=353$ خواهد بود:

$$n = \frac{N * Z_{\alpha}^2 * P(1 - P)}{e^2(N - 1) + Z_{\alpha}^2 * P(1 - P)} = \frac{4301 * (1.96^2) * 0.5 * (1 - 0.5)}{(0.05^2)(4301 - 1) + (1.96^2) * 0.5 * (1 - 0.5)} \cong 353$$

یادآوری می‌شود که تعداد نمونه‌ی در نظر گرفته شده برای هر کدام از دانشگاه‌های تهران، اصفهان، تربیت مدرس، الزهراء، مازندران، گیلان، یزد، اراک و رازی به نسبت تعداد اعضای هیأت علمی هر یک از آنها نسبت به کل اعضای هیأت علمی ۹ دانشگاه فوق‌الذکر به صورت جدول ذیل اعمال شده است.

جدول (۱)- توزیع فراوانی تعداد اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های مورد مطالعه

ردیف	دانشگاه	تعداد اعضای هیأت علمی	$F_h = \frac{N_h}{N}$	$n_h = n * F_h$
۱	دانشگاه تهران	۱۵۱۰	۰/۳۵۱	۳۵۳*۰/۳۵۱=۱۲۴
۲	دانشگاه اصفهان	۵۶۵	۰/۱۳۱	۳۵۳*۰/۱۳۱=۴۶
۳	دانشگاه تربیت مدرس	۴۸۷	۰/۱۱۳	۳۵۳*۰/۱۱۳=۴۰
۴	دانشگاه الزهراء	۳۰۴	۰/۰۷۱	۳۵۳*۰/۰۷۱=۲۵
۵	دانشگاه مازندران	۳۶۴	۰/۰۸۵	۳۵۳*۰/۰۸۵=۳۰
۶	دانشگاه گیلان	۳۵۳	۰/۰۸۲	۳۵۳*۰/۰۸۲=۳۰
۷	دانشگاه یزد	۳۲۸	۰/۰۷۶۳	۳۵۳*۰/۰۷۶۳=۲۷
۸	دانشگاه اراک	۱۲۴	۰/۰۲۹	۳۵۳*۰/۰۲۹=۱۱
۹	دانشگاه رازی	۲۶۶	۰/۰۶۱	۳۵۳*۰/۰۶۱=۲۲
	مجموع	$N=۴۳۰۱$	۱	$N_h=۳۵۵$

روش تحقیق

با توجه به دو رویکرد طبیعت‌گرایانه و خردگرایانه^۱ و دو دسته روش‌های تحقیق منتجه از آنها به نامهای روش‌های کمی و کیفی^۲، تحقیق حاضر در هر دو گروه قرار

1- Naturalistic and Rationalistic.

2- Quantitative and Qualitative.

می‌گیرد. با توجه به ویژگی آزمایشی و یا غیرآزمایشی^۱ بودن تحقیقات، روش تحقیق حاضر، روش غیرآزمایشی پیمایشی محسوب می‌شود. در کلی‌ترین تقسیم‌بندی، می‌توان روش تحقیق را کتابخانه‌ای و میدانی در نظر گرفت که در تحقیق حاضر از این هر دو روش استفاده خواهد شد. جمع‌بندی نهایی این‌که در تحقیقات مدیریتی، فرضیات (سؤالات) به دو روش تأیید یا رد خواهند شد که عبارتند از: استفاده از فنون آماری و استفاده از فنون غیرآماری، مانند تحقیق در عملیات. در گروه اول، از فنون آمار استنباطی و آزمون فرضیات استفاده خواهد شد؛ ولی در گروه دوم، با استفاده از فنونی مانند تحقیق در عملیات از طریق بهینه‌سازی مسا له تصمیم، فرضیات (سؤالات) تأیید یا رد خواهند شد. تحقیق حاضر با توجه به این تقسیم‌بندی، در گروه اول قرار می‌گیرد.

در ضمن با توجه به تقسیم‌بندی تحقیقات علمی از نظر هدف، تحقیق حاضر از نوع تحقیق کاربردی است، تحقیق کاربردی در جستجوی دستیابی به یک هدف عملی است و بر تأمین سعادت و رفاه توده مردم تا کید دارد. یافته‌های تحقیق کاربردی به میزان بسیار زیادی، ناظر به زمان و مکان هستند. همچنین، از نظر ماهیت و روش، این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی است که با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفته است. پیمایش عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات که با طرح و نقشه و به عنوان راهنمای عملی توصیف یا پیش‌بینی و یا به منظور تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها صورت می‌پذیرد. اطلاعات مورد نیاز پیمایش از طریق پرسشنامه، مصاحبه و روش‌های مناسب دیگر فراهم می‌آید.

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق، از بین دانشگاه‌های ایران که در لیست رتبه‌بندی مؤسسه "وبومتریک" قرار داشتند، دانشگاه‌های تهران، اصفهان، تربیت مدرس، الزهراء، مازندران، گیلان یزد، اراک و رازی) انتخاب گردیدند، و اعضای هیأت علمی رشته‌های شیمی، فیزیک، فنی و مهندسی، ریاضی، اقتصاد و علوم اجتماعی [رشته‌هایی که بیشترین تولیدات علمی ایران مربوط به آنهاست] به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در ضمن، افراد مورد

1- Experimental and Non-experimental.

نظر در جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی - سهمیه‌ای مورد سؤال قرار گرفتند.

تعیین روایی تحقیق

روایی به معنای صحیح و درست بودن است. روایی بدین معنی است که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. برای اندازه‌گیری روایی پرسشنامه، روش‌های مختلفی وجود دارد. اهمیت روایی از آن جهت است که اندازه‌گیری نامناسب و ناکافی می‌تواند هر پژوهش علمی را بی‌ارزش و ناروا سازد. روایی مورد نظر در این تحقیق، اعتبار محتوا و اعتبار سازه است.

«اعتبار محتوا نوعی اعتبار است که برای بررسی اجزای تشکیل‌دهنده یک ابزار اندازه‌گیری به کار برده می‌شود. و به سؤال‌های تشکیل‌دهنده آن بستگی دارد. اعتبار محتوای یک آزمون معمولاً توسط افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه، تعیین می‌شود. از این رو، اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد.

از آنجایی‌که پرسشنامه طراحی شده برای تحقیق حاضر به تأیید استادان مدیریت و کارشناسان و متخصصان پژوهش و تحقیق رسیده‌است، بنابراین، می‌توان ادعا نمود که ابزار گردآوری و اندازه‌گیری به کارگرفته شده در تحقیق حاضر، دارای اعتبار محتوا است.

« اعتبار سازه یک ابزار اندازه‌گیری نمایانگر آن است که ابزار اندازه‌گیری تا چه اندازه یک سازه یا خصیصه‌ای را که مبنای نظری دارد، می‌سنجد.» (سرمد و همکاران، ۱۳۸۴).

از آنجایی که طبق یافته‌های تحقیق؛ نتایج حاصل از نمونه که از طریق پرسشنامه صورت پذیرفته‌است، مبنای نظری و تئوریک مدیریت دانش را بخوبی شناسایی نموده‌است، می‌توان پذیرفت که پرسشنامه مزبور از روایی سازه نیز برخوردار است.

بررسی پایایی تحقیق

با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده ($\text{Alpha} = 0/951$) بیشتر از $0/70$ است، می‌توان نتیجه گرفت که قابلیت اعتماد پرسشنامه تحقیق حاضر در حد قابل قبولی است.

یافته‌های تحقیق

وضعیت نرمال بودن متغیرهای مدیریت دانش، خلق دانش، تبدیل دانش، اکتساب دانش، ذخیره‌سازی دانش، توزیع دانش، به‌کارگیری دانش و مقیاس وبومتريک: قبل از وارد شدن به مرحله آزمون فرضیه‌ها، باید از وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق حاصل کنیم که این کار توسط آزمون کولموگراف-اسمیرنوف انجام می‌شود که طراحی فرض‌ها به صورت زیر است:

سؤال	آیا متغیرهای مدیریت دانش، خلق دانش، تبدیل دانش، اکتساب دانش، ذخیره‌سازی دانش، توزیع دانش، به‌کارگیری دانش و مقیاس وبومتريک دارای توزیع نرمال هستند؟	
فرضیات	فرض صفر:	متغیر مربوطه نرمال است.
پژوهشی	فرض یک:	متغیر مربوطه نرمال نیست.
نتیجه آزمون و تفسیر آن		
با توجه به اینکه Sig تمامی عوامل بزرگتر از $0/05$ است، می‌توان گفت که توزیع همه عوامل فوق، غیرنرمال هستند، بنابراین، می‌توانیم از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کنیم.		

با توجه به این که کلیه متغیرهای مورد آزمون دارای توزیع غیرنرمال هستند. بنابراین، برای آزمون رتبه‌بندی، باید از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده نماییم.

رتبه‌بندی شاخص‌های مدیریت دانش در دانشگاه‌های منتخب

دانشگاه تهران

سؤال	آیا نظرات پاسخگویان نمونه آماری در مورد تمامی متغیرهای تحقیق یکسان بوده است؟	
فرضیات	فرض صفر:	نظرات پاسخگویان نمونه آماری در مورد تمامی متغیرهای تحقیق یکسان بوده-

پژوهشی	است.	
فرض یک:	نظرات پاسخگویان نمونه آماری در مورد تمامی متغیرهای تحقیق یکسان نبوده- است.	
فرض صفر:	میانگین‌ها با هم اختلاف ندارند. $H_0: \mu_{R1} = \mu_{R2} = \mu_{R3} = \dots = \mu_{R355}$	فرضیات آماری
فرض یک:	حداقل در یک میانگین با هم اختلاف دارند. $H_1: \mu_{R1} \neq \mu_{R2} \neq \mu_{R3} \neq \dots \neq \mu_{R355}$	

جدول (۲) - نتایج آزمون فریدمن

شاخص	میانگین رتبه‌ای
خلق دانش	۳/۵۱
تبدیل دانش	۴/۴۸
اکتساب دانش	۵/۵۶
ذخیره دانش	۳/۱۵
توزیع دانش	۲/۷۶
بکارگیری دانش	۱/۵۴

گروه	X^2 محاسبه شده	سطح معنی‌داری	میزان خطای مجاز	نتیجه آزمون
کارشناسان	۳۵۵/۱۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۵	رد H_0

تحلیل

نتیجه آزمون نشان می‌دهد که با توجه به اینکه سطح معنی‌داری محاسبه شده کمتر از پنج درصد است ($Sig \leq 0.05$)، پس فرض صفر رد می‌شود. یعنی اینکه نظریات پاسخگویان نمونه آماری در مورد متغیرهای تحقیق حداقل در یک مورد، یکسان نبوده و پاسخگویان، بدرستی معنی سؤالات را فهمیده و تفاوت بین آنها را درک کرده‌اند. رتبه‌بندی شاخص‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه تهران به ترتیب زیر می‌باشد: ۱- اکتساب دانش؛ ۲- تبدیل دانش؛ ۳- خلق دانش؛ ۴- ذخیره دانش؛ ۵- توزیع دانش؛ ۶- به‌کارگیری دانش

در ادامه، نتایج آزمون‌های مربوط به رتبه‌بندی شاخص‌های مقیاس وبومتریک برای هر کدام از دانشگاه‌ها در قالب جدول زیر بیان گردیده است:

نتیجه‌گیری از پژوهش

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که:

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه تهران، به ترتیب زیر است: ۱- اکتساب دانش، ۲- تبدیل دانش، ۳- خلق دانش، ۴- ذخیره دانش، ۵- توزیع دانش و ۶- به کارگیری دانش

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه اصفهان، به ترتیب زیر می‌باشد: ۱- اکتساب دانش، ۲- تبدیل دانش، ۳- توزیع دانش، ۴- خلق دانش، ۵- ذخیره دانش و ۶- به کارگیری دانش

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه تربیت مدرس، به ترتیب زیر است: ۱- اکتساب دانش، ۲- تبدیل دانش، ۳- خلق دانش، ۴- ذخیره دانش، ۵- توزیع دانش و ۶- به کارگیری دانش

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه الزهرا، به ترتیب زیر است: ۱- اکتساب دانش، ۲- تبدیل دانش، ۳- ذخیره دانش، ۴- خلق دانش، ۵- به کارگیری دانش و ۶- توزیع دانش

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه مازندران، به ترتیب زیر است: ۱- اکتساب دانش، ۲- تبدیل دانش، ۳- خلق دانش، ۴- ذخیره دانش، ۵- توزیع دانش و ۶- به کارگیری دانش

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه گیلان، به ترتیب زیر است: ۱- اکتساب دانش، ۲- تبدیل دانش، ۳- ذخیره دانش، ۴- خلق دانش، ۵- توزیع دانش و ۶- به کارگیری دانش

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه یزد، به ترتیب زیر است: ۱- اکتساب دانش، ۲- تبدیل دانش، ۳- خلق دانش، ۴- ذخیره دانش، ۵- توزیع دانش و ۶- بکارگیری دانش

▪ رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه اراک، به ترتیب زیر است: ۱- تبدیل دانش، ۲- اکتساب دانش، ۳- خلق دانش، ۴- ذخیره دانش، ۵- توزیع دانش و ۶- به کارگیری دانش

رتبه‌بندی مؤلفه‌های شش‌گانه مدیریت دانش برای دانشگاه رازی، به ترتیب زیر است: ۱- اکتساب دانش، ۲- ذخیره دانش، ۳- خلق دانش، ۴- تبدیل دانش، ۵- توزیع دانش و ۶- به کارگیری دانش

جدول (۳)- نتایج تحقیق

دانشگاه رازی	دانشگاه اراک	دانشگاه بزد	دانشگاه کابل	دانشگاه مازندران	دانشگاه الزهرا	دانشگاه تربیت مدرس	دانشگاه اصفهان	دانشگاه رتبه‌بندی شاخص‌ها
اکتساب دانش	تبدیل دانش	اکتساب دانش	اکتساب دانش	اکتساب دانش	اکتساب دانش	اکتساب دانش	اکتساب دانش	رتبه اول
ذخیره دانش	اکتساب دانش	تبدیل دانش	تبدیل دانش	تبدیل دانش	تبدیل دانش	تبدیل دانش	تبدیل دانش	رتبه دوم
خلق دانش	خلق دانش	خلق دانش	ذخیره دانش	خلق دانش	ذخیره دانش	خلق دانش	توزیع دانش	رتبه سوم
تبدیل دانش	ذخیره دانش	ذخیره دانش	خلق دانش	ذخیره دانش	خلق دانش	ذخیره دانش	خلق دانش	رتبه چهارم
توزیع دانش	توزیع دانش	توزیع دانش	توزیع دانش	توزیع دانش	بکارگیری دانش	توزیع دانش	ذخیره دانش	رتبه پنجم
بکارگیری دانش	بکارگیری دانش	بکارگیری دانش	بکارگیری دانش	بکارگیری دانش	توزیع دانش	بکارگیری دانش	بکارگیری دانش	رتبه ششم

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهاد‌های اصلی زیر ارائه می‌شود:
 توجه به ایجاد، نگهداری و تسهیم، کاربرد و به‌طور کلی مدیریت دانش در دانشگاه-
 های مورد مطالعه؛
 ایجاد مشوق‌هایی جهت بالا بردن سطح دانش کارکنان و جذب افراد صاحب دانش در
 دانشگاه‌ها در راستای تولید دانش؛
 ایجاد انگیزه و پاداش جهت استفاده از دانش و افزایش تعداد طرح‌ها و محصولات
 جدید سازمان در راستای کاربرد دانش در دانشگاه‌های مزبور؛

تشویق و ارزیابی عملکرد بر اساس میزان تسهیم دانش در دانشگاه‌ها در راستای تسهیم دانش در دانشگاه‌ها؛
توجه ویژه به ایجاد و کاربرد دانش در دانشگاه‌های مزبور؛
اخذ تدابیری جهت تسهیم بیشتر دانش در سازمان.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

- با توجه به این‌که پرسشنامه استاندارد جهت سنجش سطح مدیریت دانش وجود ندارد و در واقع محقق به طرح پرسشنامه‌ای در این خصوص اقدام کرده‌است، در اینجا پیشنهاد می‌شود که این ارزیابی سطح مدیریت دانش با استفاده از پرسشنامه‌های دیگر نیز مورد سنجش قرار گیرد؛ تا بدین ترتیب، بر روی روش اندازه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق افزوده شود.
- ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های منتخب بر اساس مدل‌های ارزیابی مانند مدل شانگهای، سوئیس‌آپ و ... و مقایسه آن‌ها با یکدیگر؛
- ارائه مدل بومی برای ارزیابی سطح مدیریت دانش در دانشگاه‌های جهان اسلام؛
- رتبه‌بندی دانشگاه‌های منتخب بر اساس زیرساخت‌های مدیریت دانش؛
- ارائه مدل بومی برای رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور و مقایسه آن با سایر مدل‌های رتبه‌بندی؛
- ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های منتخب بر اساس مدل EFQM و مقایسه آن با سایر روش‌های ارزیابی عملکرد، مثل سطح مدیریت دانش یا عوامل تأثیرگذار بر مدیریت دانش.

منابع و مأخذ

- 1) Benjamin Loh & et al.(2003), *Applying Knowledge Management University Research*, Singapore.
- 2) Boisot, M., H., (1998), *Knowledge assets: Securing Competitive Advantage in the Information Economy*, Oxford: Oxford University Press.
- 3) Vestal, Wesley,(2002), *Measuring knowledge management*, American Productivity & Quality Center.

۴) فایرستون، ژوزف و ال‌روی، مارک مک (۱۳۸۷)؛ *مباحث کلیدی در مدیریت دانش جدید*، ترجمه احمد جعفرنژاد و خدیجه سفیری، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، چاپ اول.

۵) حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مدیریت دانش و آموزش عالی*، دائرةالمعارف آموزش عالی، قورچیان و دیگران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران.

- 6) C.W. Holsapple, K.D. Joshi, *Knowledge Manipulation Activities: Results of a Delphi Study*, Information & Management 39, 2002, pp. 477-490.
- 7) B. Choi, H. Lee, *an Empirical Investigation of KM Styles and their Effect on Corporate Performance*, Information & Management 40, 2003, pp. 403-417.
- 8) Kolling, A., *Knowledge Management: an Organizational Capabilities Perspective*, Journal of Management Information Systems 18 (1), 2001, pp. 185-214.
- 9) Yim, B., Kim, H., Quack, *An Empirical Investigation of KM styles and their Effect on Corporate Performance*, Information & Management 40, 2003, pp. 403-417.
- 10) McQueen, R. et al, *Four Views of Knowledge and Knowledge Management*, in: E. Hoadley, I. Benbasat (Eds.), *Proceedings of the Fourth American Conference on Information Systems*, 1998, pp. 609-611.
- 11) Liou, J.F., Keick, A., *An Investigation into Knowledge Acquisition Using a Group Decision Support System*, Information & Management 24, 1993, pp. 121-132.
- 12) Tsang, E.W.K, Leen, R. (2002), *Acquiring Knowledge by Foreign Partners from International Journal Ventures in a Transition Economy: Learning-by-Doing and Learning Myopia*, *Strategic Management Journal*, 23 (9)
- 13) Geremin, P., Druck, D., Sen, C., *A Global Knowledge Medium as a Virtual Community: the NetAcademy Concept*, in: E. Hoadley, I. Benbasat (Eds.), *Proceedings of the Fourth American Conference on Information Systems*, Baltimore, MD, 1998, pp. 618-620.

سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۴)؛ *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه